

علل ارتکاب جرایم اقتصادی و راهکارها

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۱۱

مهدی یوسفی مراغه^۱، علی سعادت^۲، قادر زارع مهدوی^۳

از صفحه ۱۴۵ تا ۱۷۰

چکیده

جرایم اقتصادی یکی از آسیب های مهمی است که امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می دهد. این موضوع بخصوص در کشورهایی که دارای اقتصاد رانته هستند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری هست. جرائم اقتصادی با زنجیره ای از جرائم دیگر در ارتباط است؛ جرایمی از قبیل ارتشاء، تطهیر درآمدهای نامشروع یا پولشویی، جعل اظهار نامه های گمرکی یا مالیاتی و در حالت سازمان یافته ایجاد اختلال در نظام اقتصادی که هر یک به نوبه خود قدرت فراوانی در تخریب منافع ملی و سرمایه های اجتماعی دارد. پول های باد آورده، به هم ریختن توازن اقتصادی، فرار سرمایه و به هم زدن برنامه های مدیران و مسئولان برای کنترل سلامت و امنیت اقتصادی و ... وجه مشترک همه انواع جرائم اقتصادی است. به همین دلیل در سرتاسر دنیا، دولت ها در صدد شناسایی علل و عوامل واقعی وقوع جرائم اقتصادی بوده تا با وضع مقرراتی در این زمینه، به حمایت از نظم و امنیت اقتصادی برخیزند.

روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و اطلاعات نیز به صورت کتابخانه ای جمع آوری شده است. نتایج نشان می دهد که در نظام قضائی ایران، هنوز دادگاه خاص جرائم اقتصادی وجود ندارد. از طرف دیگر با وجود آنکه بیشترین بار تحقیقات مقدماتی جرائم اقتصادی بر عهده ضابطین دادگستری است، با این حال انسجام لازم در این زمینه وجود نداشته و این امر توسط نهادهای متعددی انجام می گیرد، به نحوی که تشتت بسیاری مشاهده شده و حتی برخی از آنها به لحاظ قانونی، ضابط دادگستری محسوب نمی شوند.

واژگان کلیدی:

جرایم اقتصادی و مالی، امنیت اقتصادی، امنیت ملی، علل جرم شناختی-سیاسی، پولشویی.

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی) و عضو هیئت دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسؤل)

۲. دانشجوی دوره دکتری مطالعات منطقه ای-گرایش آسیای مرکزی (دانشگاه تهران) و مدرس دانشگاه علوم انتظامی امین

۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی) و مدرس دانشگاه علوم انتظامی امین

جرایم اقتصادی آن دسته از جرائمی هستند که نه تنها موجب ایراد خسارات مالی^۱ به افراد حقیقی^۲ می شوند، بلکه تبعات و آثار تخریبی شدیدی^۳ بر اقتصاد ملی دارند. جرائم اقتصادی از قبیل جعل اسکناس^۴، کلاهبرداری^۵، تقلب^۶، پولشویی^۷ و غیره جرائمی هستند که نگرانی و تأثیر شدیدی بر حاکمیت و امنیت ملی^۸ وارد می کند (بارتی، ۲۰۰۳: ۲۰۹).

اصطلاح «جرم اقتصادی و مالی»^۹ دربرگیرنده مجموعه ای از «جرائم غیر خشن»^{۱۰} است که طیف گسترده ای از فعالیت های غیرقانونی از قبیل کلاهبرداری، فرار مالیاتی^{۱۱} و پولشویی را شامل می شود. تعریف جرم اقتصادی سخت است و هنوز هم مفهوم دقیق آن یک چالش محسوب می شود. بایستی اضافه کرد که پیشرفت سریع فناوری نیز ارائه تعریف از جرائم اقتصادی را پیچیده تر کرده، چرا که پیشرفت فناوری سبب به وجود آمدن فرصت های جدیدی برای ارتکاب جرائم اقتصادی شده است. تعیین محدوده کلی جرائم اقتصادی نیز مشکل است، چون علاوه بر عدم وجود مفهوم صریح و پذیرفته شده جهانی، فی الواقع نظام های سیاسی و حقوقی که جرائم اقتصادی را ثبت و ضبط می کنند، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و گذشته از آن، بسیاری از پرونده های جرائم اقتصادی، گزارش نمی شوند و بنابر این نمی توان آمار دقیقی از آن جرائم به دست آورد. دلیل عدم گزارش جرائم مذکور نیز این است که شرکت ها و مؤسسات مالی تمایل دارند تا خود به اتفاقات و جرائم مذکور رسیدگی نمایند (نشریه آکونومی و فینانسیال کریمز، ۲۰۰۵: ۱).

پدیده فساد و جرم اقتصادی، یکی از آسیب های مهمی است که امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می دهد. این موضوع به خصوص در کشورهایی که دارای اقتصاد رانته هستند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری هست. بررسی ها نشان می دهد

1. pecuniary loss
2. individuals
3. serious repercussions
4. counterfeiting of currency
5. financial scams
6. fraud
7. money laundering
8. The Nation's security and governance.
9. economic and financial crimes
10. non-violent crime
11. tax evasion

مفاسد و جرایم اقتصادی که از یک سو ناشی از تهدیدات عوامل و عناصر خارجی و از سوی دیگر ناشی از ناکارآمدی مدیریت اقتصاد داخلی است، اغلب منجر به بروز فقر، محرومیت و عقب ماندگی می گردد. برخی مفاسد و جرایم کلان اقتصادی عبارتند از: دریافت تسهیلات غیر مجاز بانکی، عدم ایفای تعهدات پس از دریافت تسهیلات بانکی، تبانی و اهمال در نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی و نظارت بر عدم انحراف آنها، پولشویی، رشا و ارتشا، اختلاس (به ویژه در نزد مدیران ارشد دستگاه دیوانسالاری و دیوانسالاران)، و ... که خود سبب بروز حجم بسیاری از جرایم کوچکی است که توسط مجرمان خرده پا بروز می یابد. در صورت توسعه و گسترش چنین وضعی، جامعه ساز و کارهای منسجم خود را از دست داده و دچار بحران هایی چون توزیع، مشارکت و مشروعیت گردیده و امنیت ملی کشور^۱ به طور جدی دچار تزلزل می شود. (زمانی، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۲) به همین دلیل در سرتاسر دنیا، دولت ها در صدد شناسایی علل و عوامل واقعی وقوع جرائم اقتصادی بوده تا با وضع مقرراتی در این زمینه، به حمایت از نظم و امنیت اقتصادی برخیزند.

۱. کشور ما نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست، چرا که در یک اقتصاد رقابتی که با هدف رونق، رشد همه جانبه، ایجاد اشتغال و بهره گیری از ظرفیت های بر زمین مانده شکل می گیرد، داشتن امنیت اقتصادی برای سرمایه و سرمایه گذار از اهمیت شایانی برخوردار است. با این اوصاف، نارسایی ها و تهدیداتی چند بر عرصه اقتصاد ایران سایه انداخته است و این تهدیدی که در برابر امنیت اقتصادی ما قرار دارد، اقتصاد مسلط نفتی است. تهدید دیگری که متوجه امنیت اقتصادی است وابستگی بیش از حد معارف صنعت کشور به واردات است. این وابستگی به حدی است که اگر به هر دلیلی برای چند هفته سیر واردات بکلی متوقف شود، صنایع کشور یکی بعد از دیگری به تعطیلی کشیده می شوند. به همین دلیل صادرات کشور تا حد غیر قابل باوری به واردات وابسته شده، به نحوی که اگر خللی در واردات کالاها و خدمات گوناگون پدید آید، آثار شدیدی بر روی صادرات کشور بجای می گذارد. این وابستگی، موقعیت صادرات غیر نفتی کشور را به شدت آسیب پذیر ساخته است. (جهت مطالعه بیشتر ر. ک. به ماندل، رابرت، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹) این آسیب پذیری منحصر به متوقف شدن یا کاهش تولید در اثر وقفه در واردات کالا به اندازه مورد نیاز، نیست، بلکه این وابستگی همچنین سبب می شود که کالاهای مورد نیاز فرآورده های صادراتی با قیمتی بالاتر از آنچه که در اختیار تولید کننده در کشورهای صنعتی قرار می گیرد، به دست تولید کننده های صادراتی در ایران برسد. به عبارت دیگر، هزینه های مربوط به تولید و فروش این مواد، هزینه بیمه، حمل و نقل و هزینه گمرکی انتقال از مناطق ورودی تا محل عمل آوری کالای صادراتی و هزینه متفرقه دیگر بر آن سر بار شود. در چنین وضعی کالای ایرانی قدرت رقابت چندانی در برابر فرآورده های مشابه در بازارهای عمده نخواهد داشت. حال اگر کمک های آشکار و نهان دیگر کشورها به صادرات از یک طرف و عوارض و مالیات های متعددی که به کالاهای ایرانی تعلق می گیرد، در طرف دیگر به حساب آید، تهدیداتی که از طریق رواج فرهنگ مصرف کالاهای خارجی و متعاقب آن شیوع پدیده قاچاق کالا در سطح جامعه، متوجه صادرات غیر نفتی و نهایتاً امنیت اقتصادی کشور می گردد، بهتر شناخته خواهد شد. (همان)

بر این اساس و با طرح مقدمه فوق، در ادامه مقاله با رویکردی سیاسی و حقوقی-جرم‌شناختی سعی شده است تا ضمن مطالعه علل و عوامل سیاسی و جرم‌شناختی مؤثر بر وقوع و شیوع جرائم اقتصادی در سطح جامعه (بخش اول) و تأثیرات نامطلوب آن بر امنیت ملی و اقتصادی کشور (بخش دوم)، طرق و اقدامات انجام گرفته در راستای مقابله و مبارزه با آن هم در سطح ملی کشورها و هم در سطح بین‌المللی (بخش سوم) مورد بررسی قرار گیرد. در خاتمه نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادهای حاصل از تحقیق ارائه خواهد شد.

۱. علل سیاسی و جرم‌شناختی وقوع جرائم اقتصادی

جرم اقتصادی پدیده مذمومی است که امنیت اقتصادی و ملی کشور را تهدید می‌کند و مانع از بهره‌گیری مناسب از توانمندی‌ها و استعداد های بالقوه و بالفعل اقتصادی می‌شود. (مجله بررسی های بازرگانی، ص ۵۷)

گذشته از تعریف های مختلف در خصوص جرائم اقتصادی، علل و عوامل متعددی را می‌توان در توجیه چرایی و علت وقوع آن در سطح کشور برشمرد:

۱-۱. علل سیاسی

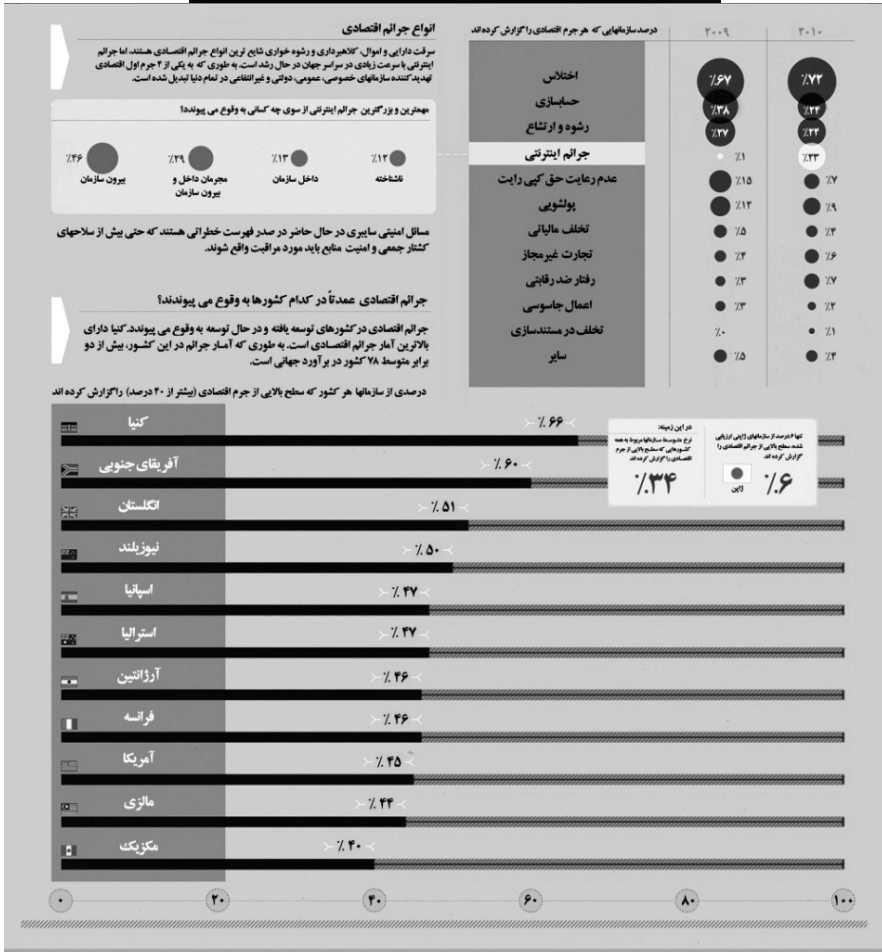
عوامل سیاسی معمولاً به بخش های درون حاکمیت و عناصر اداری وابسته به یک کشور معطوف است که موجب رواج پدیده جرائم اقتصادی و یا تشدید آن می‌شود. پدیده جهانی شدن نیز که در دهه ۱۹۹۰ به یکی از بحث‌انگیزترین مسائل پایان قرن بیستم تبدیل شد و در سال‌های نخستین قرن بیست و یکم هم یکی از مهم‌ترین مباحث علوم اجتماعی می‌باشد، خود به رواج پدیده جرائم اقتصادی در جامعه دامن می‌زند.

هر چند که "جهانی شدن از یک سو با مفاهیم اقتصادی [جهانی شدن اقتصاد، مادیات، خرید و فروش و شرکت های چند ملیتی] و از سوی دیگر با مضامین حقوق بشری [جهانی شدن معنوی] سر و کار دارد (نجفی ابرندآبدی، علی حسین، ۱۳۷۵، ص ۱۸۱)، لیکن "در تعریف جهانی شدن بیش از هر چیز، مفهوم و جنبه اقتصادی آن غلبه دارد تا ابعاد سیاسی، علمی، فرهنگی و اجتماعی آن. دلیل آن ناشی از تکامل یافتگی بیشتر بعد اقتصادی جهانی شدن بر سایر ابعاد و جنبه های آن و تقدم زمانی وقوع آن می‌باشد. به همین دلیل به مقوله جهانی شدن با نگاه اقتصادی نگریسته می‌شود (میر محمدی، ۱۳۸۱: ۶۳).

جهانی شدن حقوق بشر در جهت اخلاقی کردن جامعه بشری و رفتار دولت هاست، اما جهانی شدن اقتصاد که در آن سود و رقابت های اقتصادی حرف اول را می زند و مسائل دنیوی ترجیح داده می شود، امکان وقوع جرم و سوء استفاده از مبادلات اقتصادی را فراهم می کند. مثال بارز آن جرم تطهیر درآمدهای نامشروع است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵: ۱۸۱).

به عبارت دیگر جهانی شدن باعث تسهیل در مراودات و معاملات بین المللی و به تبع آن سهولت در امر تطهیر درآمدهای نامشروع حاصل از جرائم اقتصادی می گردد که این امر نیز به نوبه خود ترغیب و گرایش هر چه بیشتر به سمت ارتکاب جرائم اقتصادی را باعث خواهد شد. (جهت دیدن آمار جرائم اقتصادی در کشورهایی که بالاترین میزان جرائم اقتصادی را دارند، ر. ک. به شکل شماره ۱)

شرکت پرایس واتر هوس، جرایم اقتصادی، تقلب و کلاهبرداری را در سال ۲۰۱۱ یکگونه تعریف کرده است: به کار بستن عمدی فریب و محسوس کردن دیگران از پول، دارایی و یا حق قانونی، به معنای دیگر هر چیزی که همانند اختلاس در نوع قضایی آن، باعث وقوع جرم سایبری شود. چه نوع جرایمی در تجارت جهانی شایع هستند و بیشتر در کجا رخ می دهند؟



شکل ۱- نمودار جرایم اقتصادی در کشورهای مختلف

اما در نقطه مقابل این رویکرد، مارکسیست ها برای توجیه علل و چرایی وقوع وقایع مجرمانه در سطح جامعه- از جمله پدیده جرائم اقتصادی - " براساس یک رویکرد ایدئولوژیک اعتقاد داشتند که اصولاً جرم مظهر جامعه سرمایه داری است. جرم با جامعه سرمایه داری همزاد و عجین است، به این علت که در این جوامع، سرمایه و ابزار تولید در دست عده ای اندک است. در مقابل، کارگران در خدمت این سرمایه داران قرار دارند. از

آنجا که شکوفایی سرمایه مفرط است و مزد و هزینه و امکانات، کم، لذا در کشورهای سرمایه داری نوعی استثمار وجود دارد که سبب می شود عده زیادی از مردم به حقوق خود دست پیدا نکنند و مرتکب جرم [از جمله جرائم اقتصادی] شوند. مارکسیست ها به این نتیجه رسیدند که در صورت فروپاشی جامعه سرمایه داری و استقرار یک کشور کمونیستی که در آن سرمایه بین همه تقسیم شود، دیگر دلیلی برای ارتکاب جرم وجود نخواهد داشت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵: ۷۲). طرفداران این نظریه، دولتی شدن اقتصاد و تسلط دولت بر تمامی جنبه های اقتصاد را تنها راه حل ریشه کن نمودن جرم از سطح جامعه می دانند.

این در حالی است که "تلفیق اقتصاد دولتی با قدرت سیاسی، به ویژه در نوع دیکتاتوری آن، زمینه ساز فعالیت های غیر رسمی است و به سیاستمداران و دیگر منتقدان جامعه امکان می دهد از نفوذ سیاسی، نظامی، اقتصادی یا حزبی خود سوء استفاده کنند. جرائمی که نخبگان حاکم، فن سالاران و در کل، اجزای تشکیل دهنده دولت و نزدیکان آن مرتکب می شوند گاه ابعادی وسیع دارد" (شکیبایی و احمدی، ۱۳۸: ۱۷۲).

لذا در رد طرفداران نظریه مارکسیست و دولتی شدن اقتصاد می توان گفت که بر این اساس، آمیخته شدن منافع سیاسی و اقتصادی سازمان های دولتی و دخالت ارگان های غیر اقتصادی، خود منجر به شیوع پدیده جرائم اقتصادی در سطح کلان شده و رفته رفته موجب گرایش عامه مردم به این معضل اقتصادی خواهد گردید.

بایستی اضافه نمود که حجم بالای تصدی گری دولت در اقتصاد^۱، فقدان فضای شفاف رقابتی، وجود رانت های سیاسی و اطلاعاتی و نقاط ضعف اداری به رواج فساد اداری در سطح جامعه دامن خواهد زد. پاره ای از مشکلات شغلی موجود در بخش مبارزه با جرائم اقتصادی، مانند ضعف مدیریت، فقدان تجربه و مهارت لازم و محرومیت ها و خطرها از اراده جدی آنان در اجرای صحیح قوانین بازدارنده می کاهد و دست یابی به نتایج مطلوب

۱- بایستی اذعان نمود که در سال های اخیر و در راستای مبارزه با مفاسد اقتصادی، اقدامات ارزنده ای در دولت جمهوری اسلامی ایران، صورت گرفته است که صدور فرمان ۸ ماده ای مقام معظم رهبری در خصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی و متعاقب آن تشکیل ستاد هماهنگی سه قوه، نقطه عطفی در این زمینه می باشد.

۲- صدور فرمان تاریخی مقام معظم رهبری در خصوص اجرایی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری فعالیت های اقتصادی به بخش خصوصی را می توان در راستای کاهش حجم عظیم تصدی گری دولت در امور اقتصادی تفسیر نمود.

را به تأخیر می اندازد.

۲-۱. علل جرم شناختی

جرم شناسی علم جدیدی است که به علوم دیگر وابستگی دارد و در پی آن است تا عوامل جرم زا و علل وقوع جرم در جامعه را مورد شناسایی قرار داده و روش های پیشگیری از بروز جرم و طرز اجرای روش های اصلاحی و تربیتی و یا درمانی را تبیین نماید. در جرم شناسی، نظریه های علمی بسیار زیادی در جهت تبیین وقوع پدیده مجرمانه در جامعه مطرح شده است. پدیده جرائم اقتصادی یکی از این وقایع مجرمانه است که می توان در پرتو نظریه های جرم شناسی به بیان چرایی وقوع آن پرداخت. مهم ترین آنها به شرح ذیل است:

نظریه معنای جرم - ممکن است کسی انتظار داشته باشد کسانی که مرتکب رفتارهای مجرمانه می شوند، خود را مجرم تصور کنند؛ یعنی یک خود - انگاره یا [تصور] مجرمانه از خود داشته باشند. در حقیقت بسیاری از آن ها چنین نیستند. یوچلسن و سیمون دریافتند که حتی مصمم ترین و پیگیرترین مجرمان نیز نمی خواهند بپذیرند که مجرم اند. کامرون خاطرنشان کرد که دکان زن های غیرحرفه ای اغلب منکر می شوند که اعمال شان سرقت است و رفتارهای خود راتحت عنوان های " صرفاً خلاف اخلاق یا بد" و یا "مسئول ولی در حقیقت نه مجرم" توجیه می کنند (شایان، ۱۳۸۴: ۳۰۰). پلیس هایی که از خشونت غیرقانونی استفاده می کنند، آن را با توجه به ضرورت انجام وظیفه خود توجیه می کنند. کارگزاران حکومتی ممکن است فعالیت غیر قانونی خود را با توجه به "امنیت ملی" توجیه نمایند. عمل گرایان ضد جنگ که مرتکب اعمال غیرقانونی شده اند، اظهار می دارند که مجرمان واقعی، آغازگران جنگ اند. بدیهی است هر شخصی که به خاطر جرم دستگیر می شود، خود را بیگناه می داند، چرا که همیشه شرایطی وجود دارد که باعث می شود وی عمل خود را خارج از تعریف درست جرم قرار دهد. (همان)

این نمونه ها این واقعبیت را نشان می دهند که رفتار و اعمال مجرمانه را اغلب اشخاصی مرتکب می شوند که خود را مجرم نمی دانند. این اشخاص برای حفظ یک خود-انگاره [یا تصور] نامجرمانه، "وضعیت را به گونه ای تعریف می کنند" که بتوانند بر این عقیده باشند که اعمالشان در حقیقت جرم نیست. پس از آن، آزادند که ارتکاب رفتارهای مجرمانه آدر

این جا قاجاق] را ادامه داده، بی آنکه خود انگاره یا تصور خویش را تغییر دهند. (همان منبع، ۳۰۱)

۱۵۳

بر این اساس می توان گفت که مجرمین اقتصادی، تصور مجرمانه از خود ندارند و علاوه بر آن معمولاً افکار عمومی جامعه نیز علیه آنان بسیج نشده و ذهنیت قضایی و دست اندرکاران نظام عدالت کیفری از قبیل ادارات پلیس و دادگاهها نسبت به آنها زیاد منفی نیست. این پیش داوری قضایی سبب می شود در مورد مرتکبین جرائم اقتصادی، احکام قضایی سبک تری صادر شود. در مورد این مجرمین به نوعی سیاست قضایی و پلیسی متفاوتی اعمال می شود. اینکه افکار عمومی علیه آنان بسیج نشده به این دلیل است که در بسیاری از موارد این چینی، آحاد جامعه ارتکاب چنین اعمالی را نوعی زرنگی و هوشیاری مرتکب تلقی می کنند و قبح عمل ارتكابی آنان نسبت به جرایم عمومی از قبیل قتل، زورگیری یا اخاذی، سرقت و ... همواره کم رنگ تر است.

قبح و سرزنش اجتماعی یک فعل مجرمانه از پشتوانه های اساسی حقوق کیفری است. به عبارت دیگر، حقوق کیفری و ضمانت اجراهای آن زمانی در جامعه کاربرد و ارزش اجرایی دارد که قبح اجتماعی نشئت گرفته از آحاد جامعه را به عنوان پشتوانه خود به دنبال داشته باشد. در غیر این صورت حتی شدیدترین ضمانت اجراها و مجازات ها نیز در جلوگیری یا کاهش فعالیت مجرمانه در سطح جامعه ثمربخش نخواهد بود. به عنوان مثال می توان از "قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره" نام برد که علی رغم تصویب آن در سال ۱۳۷۳ و غیر قانونی دانستن استفاده از تجهیزات موصوف، هنوز اقبال مختلفی در جامعه از آن استفاده می کنند. نمونه دیگر آن قانون کشف حجاب رضا شاه در سال ۱۳۰۴ بود که به تقلید از آتاتورک می خواست جامعه مذهبی و سنتی ایران را به یک جامعه غیر مذهبی و سکولار تبدیل نماید. اما در عمل در آن زمان، خانمها از خانه خارج نمی شدند تا آنها را دستگیر نکنند. این بدین معناست که قانون هنگامی تأثیر دارد که ارزش های پذیرفته شده در قانون، به طور متوسط در جامعه وجود داشته و مقبول آحاد جامعه باشد. در غیراین صورت حقوق کیفری انسان هایی ریاکار و مزور به وجود می آورد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲، ۱۳۱۴)

شبيه اين وضع، در جرایم اقتصادی نیز به چشم می خورد به گونه‌ای که رغم تصویب قوانین متعدد در این زمینه، شاهد افزایش گرایش عمومی به سمت این پدیده مذموم هستیم.

نظریه پیوند افتراقی ساترلند— نکته اصلی نظریه ادوین ساترلند این است که افراد به این علت کج رفتار می شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیر انحرافی شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده‌های کج رفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده‌های هم‌نوایانه برخوردارند (یعنی تماس بیشتر آنان با کج رفتاران یا ایده‌های کج رفتارانه)، علت اصلی کج رفتاری آنهاست. به طور خلاصه طبق نظریه ساترلند، کج رفتاری یادگرفتنی است و در تعامل با دیگران آموخته می شود. فرد به دلیل بیشتر بودن تعریف‌های موافق تخلف، به نسبت تعریف‌های موافق با هم‌نوایی با هنجارها، کج رفتار می شود. (جهت مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک. به: صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۷). پس "افراد به همان شیوه‌ای که یاد می گیرند از قوانین تبعیت می کنند، به همان شیوه هم یاد می گیرند که کج رفتار شوند". (همان منبع: ۱۸)

بنابراین بر اساس این نظریه، جرائم اقتصادی یا هر پدیده ناپه‌نچار دیگر بدان دلیل در جامعه به‌وقوع می پیوندد که آحاد جامعه و خانواده‌ها به زشتی از آن یاد نمی کنند. به عبارت دیگر کسی که مرتکب جرم مالی و اقتصادی می شود و در خانواده و حتی در اجتماع آدم زرنگی به حساب می آید که توانسته در مدت زمانی اندک، از لحاظ مالی متمکن شده و به اصطلاح خودش را ببندد، قاعدتاً به دلیل بیشتر بودن تعریف‌های موافق ارتکاب جرم نسبت به تعریف‌های موافق یا هم‌نوایی با قانون و عدم ارتکاب جرم، تشویق به ادامه رفتار خود شده و این فرهنگ دیگران را هم به سمت ارتکاب جرم اقتصادی سوق داده و ترغیب می نماید.

نظر آئومی مرتون— رابرت مرتون، تفسیر اجتماعی— فرهنگی خود از رفتار منحرفانه را با تأکید بر مفهوم بی‌هنجاری بنیان گذاشت. بسیاری از اهداف و مقاصد فرهنگی تأیید شده مانند جمع‌آوری ثروت، مال، دانش و آگاهی، ممکن است با توانایی و قابلیت فرد در جامعه، جهت دستیابی به آنها از طریق انجام رفتارهای نهادی پذیرفته‌[یا مشروع و هنجارمند] ناسازگار و ناهماهنگ باشند. این عدم موافقت میان اهداف فرهنگی و وسایل

نهادی جهت دستیابی به آنها، قویترین عاملی است که منجر به بی هنجاری یا آنومی (Anomie) می گردد. (غلامی، ۱۳۸: ۱۷۶)

مرتون دو شکل کلی از پاسخ به شرایط موجود اجتماعی را که در دسترس فرد هستند، مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد: اول، تطابق و هم‌نواپی (conformity) و دوم، پاسخ‌های انحرافی در شکل‌های نوآوری یا بدعت، آیین باوری، انزوا باوری، تحول‌گرایی. به عنوان مثال در یک مسابقه ورزشی، اگر بر هدف برنده شدن بیش از اندازه تأکید شود، آنهایی که در حیطه ابزارهای نهادین (قواعد) نتوانند برنده شوند، ممکن است که به شدت تحریک به تقلب شوند (نوآوری)، صرفاً به مسابقه ادامه دهند، بی آنکه امیدی به برنده شدن داشته باشند (آیین باوری)، مسابقه را به کلی کنار گذارند (انزوا باوری)، یا تلاش کنند در رشته ورزشی متفاوتی مسابقه دهند (تحول‌گرایی). (شایان، ۱۳۸۴: ۲۲۴)

شیوع پدیده جرائم اقتصادی و مالی در سطح جامعه را نیز می توان براساس نظریه مرتون توجیه و تبیین نمود. بایستی اذعان نمود در حال حاضر کسب ثروت و مال اندوزی، شاخص ترین هدف فرهنگی پذیرفته شده در سطح جامعه است. ثروت انباشته شده البته با ارزش و ارج شخصی همسنگ تصور می شود و با میزان بالای حیثیت و پایگاه اجتماعی همبستر است.

این فرهنگ، افراد جامعه را تشویق می کند که در جستجوی بیشترین مقدار ثروت باشند. عکس‌العمل افراد هم در قبال این هدف فرهنگی یعنی ثروت اندوزی متفاوت است. برخی در این میان جهت رسیدن به این اهداف فرهنگی دست به نوآوری و بدعت می زنند و با توسل به وسایل و طرق نامشروع و نابهنجار درصد حصول به اهداف تحمیل شده توسط جامعه (یعنی کسب ثروت) می باشند. این نوع آوری و بدعت همان است که از آن به انحراف یا ارتکاب جرم تعبیر می شود. بنابراین مرتکبین جرائم اقتصادی را می توان معلول این شرایط تحمیل شده توسط جامعه دانست که با ارتکاب جرم درصد دستیابی به اهداف پذیرفته شده و مقبول اجتماعی هستند.

۲. تبعات و پیامدهای جرائم اقتصادی علیه امنیت ملی و اقتصادی

جرائم اقتصادی آثار و تبعات مستقیم و غیر مستقیم بر امنیت اقتصادی و به تبع آن امنیت ملی دارد. در بحث آثار و تبعات مستقیم جرائم اقتصادی بایستی اذعان نمود که از منظر

جرم شناختی جرایم اقتصادی^۱ از قبیل قاچاق، اختلاس و بعضاً ارتشاء، نوعاً بزه دیده یا متضرر حقیقی ندارند، بزه دیده آنها شخص حقیقی و در اکثر موارد دولت است. لذا شاکی ندارد و موارد اعلام به دادگاه و نهادهای تعقیب هم کم است. تنها راه کشف این قبیل جرایم نفوذ پلیس و نیروهای اطلاعاتی در باندهای قاچاق از قبیل مخبر گیری، تعقیب و مراقبت سرکرده های مرتکبین قاچاق و ... می باشد^۲.

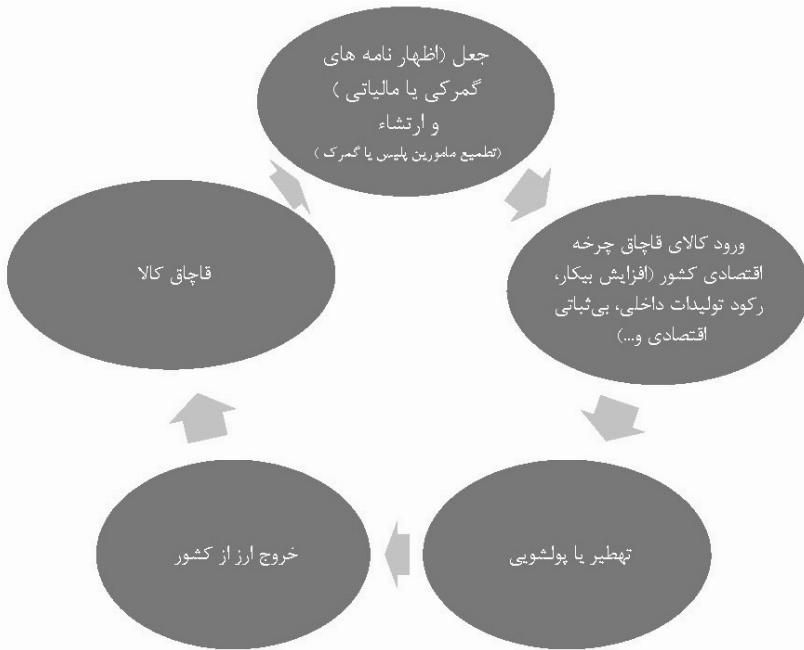
اما تبعات غیر مستقیم پدیده جرائم اقتصادی به مراتب شدید تر و حادث تر از آثار مستقیم آن است. از منظر جرم شناختی جرائم اقتصادی با یک جرم سابق و لاحق در ارتباط است؛ یعنی جرمی که امروز یک بزهکار اقتصادی انجام داده (مثل تطهیر یا پول شویی)، مسبوق به جرم دیگری است که قبلاً مرتکب شده است (مثل ارتشاء)، همین طور موقوف به جرم بعدی است که در آینده ای نزدیک انجام خواهد شد؛ یعنی فساد اقتصادی و اختلال در نظام اقتصادی و عدم پرداخت مالیات و ارائه اظهار نامه های تقلبی و مالیاتی.

مرتکبین جرائم اقتصادی همواره سعی می کنند با وسوسه و تطمیع مأموران، راهی برای فرار از مجازات پیدا کنند. در ارتشاء از آنجا که مرتشی (رشوه گیرنده) عامل دولت است در صورت شیوع آن، نارضایتی مردم زیاد شده و از اعتبار حاکمیت دولت کاسته می شود. اگر در کشوری مردم برای هر اقدامی ناچار شوند علاوه بر وجوه مربوطه، مبلغی را به عنوان رشوه پرداخت کنند، این امر در نهایت باعث تزلزل مشروعیت آن نظام خواهد شد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴: ۱۵)

۱. طبیعتاً یکی از ارکان هر جامع اقتصاد است، یعنی بحث تولید، توزیع، حمل و نقل و فعالیت یدی و فکری که منجر به تولید پولی، سرمایه، مال و سود می شود. (ابرند آبادی، ۱۳۸۴: ۵) اقتصاد نقش کل و عمومی دارد. به همین دلیل دولت با وضع مقرراتی در زمینه اقتصاد در صدد تضمین و حمایت از نظم اقتصادی است، چرا که نظم اقتصادی جزئی از نظم عمومی است و از طرف دیگر این نظارت دولت با حیات و استمرار حاکمیت مرتبط می باشد. جامعه و کشور ما در سالهای اخیر درهای اقتصادی خود را کم و بیش به روی دنیا باز کرده است. شرکت های چند ملیتی در ایران سرمایه گذاری می کنند و دولت ایران هم در خارج از کشور در زمینه های اقتصادی سرمایه گذاری کرده است. به عبارت دیگر ایران در روابط اقتصادی دنیا قرار دارد. این باز کردن درهای اقتصادی کشور و شدت گرفتن صادرات و واردات و ... سبب بروز مشکلات و گاه بحرانهایی^۱ شده است. (همان منبع، ص ۴۵)

۲. جهت مطالعه بیشتر ر. ک. به: Benedict Agu, Okay, 2010, p-p. 420-425

نمودار چرخه قاچاق کالا



علاوه بر ارتشاء، پولشویی نیز از جمله جرایمی دیگری است که از بطن جرایم اقتصادی به وجود می آید. مرتکبین جرائم اقتصادی از انواع تأمین ها و امتیازات موجود در جامعه بهره برده و اعمالی انجام می دهند که علیه سلامت، امنیت و اقتصاد مردم بوده، مالیات و هزینه نمی دهند، ضمن اینکه از یارانه هم استفاده می کنند و بدین ترتیب ثروت های باد آورده هنگفتی به دست می آورند. سپس عواید و درآمدهای نامشروع حاصل از جرائم اقتصادی را از طریق تطهیر و پول شویی وارد چرخه اقتصادی کشور می کنند. پولشویی فرایندی است که طی آن درآمدهای غیر قانونی را قانونی جلوه می دهند و به تعبیر دیگر به معنای قانونی کردن درآمدهای غیر قانونی، تطهیر پول های نامشروع یا تبدیل پول های کثیف ناشی از اعمال مجرمانه به پول های مشروع و باصطلاح تمیز و پاک می باشد. (جهت مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک.به: باقرزاده، ۱۳۸۳: ۲۳۴-۲۴۴)

براساس تحقیق صندوق بین المللی پول، جمع فعالیت های پولشویی برای تطهیر درآمد حاصل از جنایت بین ۲ تا ۵ درصد درآمد ناخالص داخلی دنیا را تشکیل^۱ گرفته می شود اگر حجم سالانه ۳۰۰ میلیارد دلار پولشویی در آمریکا نباشد کسری بودجه امریکا سر به فلک خواهد زد. بنابر اعلام مقامات بانک USB سوئیس که به عنوان مظهر پولشویی جهان تلقی می شود، سود آن در سال ۲۰۰۵ حدود ۱۹۰ میلیارد دلار بوده است.^۲ لذا جای این سؤال باقی است که این بانک چه حجمی از سپرده های جهانی را در اختیار دارد که سود سالانه آن حتی بیش از بودجه کل بسیاری از کشورهاست؟

اما گذشته از میزان این ارقام، بایستی اذعان داشت که پولشویی آثار مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد و امنیت کشورها دارد. پولشویی فرایند گسترده ای است که برآورد حجم آن بسیار مشکل بوده و از این رو کوشش دولت‌ها را برای مدیریت اقتصاد کشورشان با مشکلات رو برو می سازد. افزایش پولشویی مستلزم کاهش داد و ستد و تقاضای پول از بانک هاست. از آنجایی که پولشویی و فعالیت های مجرمانه منجر به تغییر درآمدی از سرمایه گذاری های دراز مدت به سوی سرمایه گذاری پر خطر و زود بازده کوتاه مدت در بخش تجارت می شود و در این بخش فرار مالیاتی رایج است، آثار زیانباری بر اقتصاد کلان و برنامه های طویل المدت ملی خواهد داشت.

پولشویی آثار غیر مستقیم هم دارد؛ زیرا داد و ستدهای غیر قانونی، بازدارنده تبادلات قانونی نیز هست. مهم تر از آن مبادلات زیر زمینی و فساد و اختلاس، از اطمینان و اعتماد به بازار و ساز و کارهای آن می کاهد. ذخیره و انباشت دارایی های شسته شده در برخی از کشورها احتمالاً بیش از سرمایه های جاری است و در نتیجه بی ثباتی اقتصادی را افزایش

۱- می دهد در این خصوص ر.ک. به سایت اطلاع رسانی انجمن فرهنگی هنری سایه سایت انجمن فرهنگی و هنری سایه: www.sayeh.net

۲- اکنون بیش از ۱۴۰ کشور قانون مبارزه با پولشویی دارند و کشورهایی که هنوز در قانون مجازات آنها پولشویی جرم مستقل تعریف نشده با پولشویی، با استفاده از قوانینی که بطور ضمنی به پولشویی توأم با جرایم دیگر اشاره دارد مبارزه می کنند، ولی در عین حال سالانه بیش از ۸/۲ تریون دلار در جهان پولشویی می شود.

در نظام حقوقی ایران نیز اصل ۴۹ قانون اساسی به عنوان یکی از اصول مبارزه با ثروت های نامشروع تلقی می شود. بنابراین اگر چنانچه دولت بخواهد با فساد و پول شویی مبارزه کند، محمل قانونی آن وجود دارد. در دهه ۱۳۸۰ که موضوع پول شویی و قانون ضد تروریسم ابعاد جهانی گرفت، ایران یکی از امضاکنندگان پیمان پالرمو در مبارزه علیه فساد بود. در تداوم همین جریان، لایحه قانون مبارزه با قاچاق انسان ۱۳۸۳، لایحه ضد پول شویی ۱۳۸۲، آیین نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه های اجرایی ۱۳۸۳ تهیه و تدوین شد که از این میان فقط قانون مبارزه با قاچاق انسان و قانون مبارزه با پول شویی به تصویب رسید.

می دهد. بر اثر افزایش پولشویی، نرخ رشد تولید ناخالص ملی کاهش می یابد و همچنان اسباب تخریب بازار مالی، ورشکستگی بخش خصوصی (که به صورت قانونی فعالیت می کنند)، کاهش بهره وری در بخش واقعی اقتصاد، افزایش ریسک خصوصی سازی، تخریب بخش خارجی اقتصاد، بی ثباتی در نرخ های ارز و بهره، توزیع نا برابر درآمد شهروندان و آثار منفی دیگر را فراهم می سازد که همه آنها به نحوی رشد و توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد و علاوه بر آثار مخرب اقتصادی، تاثیر نامطلوب اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را سبب گردیده و در نتیجه فاصله طبقاتی (دارا و نادار، کم در آمد و پر درآمد) و فساد سیاسی را به وجود می آورد. در نهایت پولشویی در کشورهای در حال رشد، مانع ورود آن به هئیت کشورهای توسعه یافته و دست یابی آن به توسعه پایدار خواهد شد^۱. بنابر این، امروزه پولشویی یکی از چالش های اساسی در حوزه مباحث اقتصادی است و تأثیرات مخربی بر امنیت اقتصادی کشورها در پی دارد.

مباحث اقتصادی بر خلاف مسائل اجتماعی از پیچیدگی فراوانی برخوردار است و به جرأت می توان گفت که در دنیای امروزی اکثر جنبه های زندگی بشری - و حتی با اندکی اغماض تمامی آنها - متأثر از مسائل و تحولات اقتصادی است. نحوه برخورد با نارسایی و چالش ها در بخش اقتصاد و چگونگی شناسایی عوامل اصلی آن پیامدهای فوق العاده مهمی در اجتماع دارد. امنیت اقتصادی از مباحث پر اهمیت و حساسی است که به ویژه پس از اجرای سیاست های روشن اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه عمومی، امنیت معمولاً از جنبه سیاسی مطرح است و آن برقراری ثباتی است که فعالیتهای سالم سیاسی را امکان پذیر سازد. اما شبیه این وضع در اقتصاد نیز وجود دارد.

امنیت اقتصادی "عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین المللی" (ماندل، ۱۳۷۹: ۱۰۷). جنبه های اصلی امنیت اقتصادی عبارتند از رشد اقتصادی و توزیع اقتصادی کالاها و خدمات. هدف امنیتی در این رابطه افزایش سلامتی اقتصاد ملی از طریق بهبود نسبی آن در مقایسه با شرایط اقتصاد در گذشته و همین طور بهبود شرایط

۱- در این خصوص ر.ک. به سایت اطلاع رسانی وفاق :

WWW.v efagh.co.ir

فعلی آن در مقایسه با دیگر کشورها می باشد. (همان: ۱۱۵)

امنیت اقتصادی مقوله ای جدای از امنیت سیاسی نیست و بنابر این بایستی امنیت سیاسی وجود داشته باشد تا در سایه آن امنیت اقتصادی هم به وجود آید و ادامه حیات دهد. هر چه امنیت سیاسی در یک جامعه بیشتر باشد، امنیت اقتصادی در درجه بالاتری قرار دارد. عکس این قضیه نیز صادق است، چه آنکه هر گونه اختلال و بی سامانی در نظام اقتصادی یک کشور منجر به کاهش امنیت اقتصادی می شود. به تبع آن امنیت سیاسی نیز تحت تأثیر قرار گرفته، منجر به سست شدن پایه های حکومتی بالاخص در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه و حتی اضمحلال یک نظام سیاسی خواهد گردید.

۳. مقابله با جرائم اقتصادی

امروزه جرائم اقتصادی و مالی فقط جنبه ملی ندارند بلکه دارای ابعاد بین المللی نیز هستند. لذا برای مقابله و مبارزه با این جرائم، دولت ها و سازمان های بین المللی بایستی باهم تعامل و همکاری داشته باشند. علاوه بر آن، امروزه جامعه مدنی نیز برای مقابله با این جرائم بسیج شده است. در اسناد بین المللی مثل کنوانسیون مریدا به کرات خطاب به دولت های عضو تأکید شده است که از ظرفیت های جامعه مدنی و مردم برای مبارزه با جرائم اقتصادی و پیشگیری از آن، بهره ببرند و همواره به کارهای پلیسی و قضایی و اطلاعاتی اکتفا نکنند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۵: ۵۰). بر این اساس، اقدامات انجام گرفته در راستای مقابله با جرائم اقتصادی را در دو سطح ملی (داخلی) و بین المللی مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

۱-۳. مقابله با جرائم اقتصادی در سطح بین المللی

الف) سازمان های دولتی و رسمی بین المللی

نهادهای بین المللی رسمی و دولتی در راستای مبارزه با جرائم اقتصادی و مالی بالاخص پولشویی، فعالیت ها و اقدامات مؤثری انجام داده اند. «هیئت عالی سازمان ملل در زمینه تهدیدات، چالش ها و تغییر^۱»، جرم سازمان یافته بین المللی^۲ را به عنوان تهدیدی علیه جامعه جهانی دانسته و پیشنهاد مذاکره در خصوص تدوین یک کنوانسیون جامع بین

1 . The High-level Panel on Threats Challenges and Change

2 . transnational organized crime

المللی را علیه پولشویی ارائه داد. اگر چه تا به حال هیچ سند بین المللی^۱ به طور اختصاصی در زمینه جرائم اقتصادی و مالی تدوین نشده است، با این اوصاف، هم کنوانسیون سازمان ملل راجه به جرائم سازمان یافته^۲ (کنوانسیون پالمو) و هم کنوانسیون سازمان ملل راجع به فساد مالی یا ارتشاء^۳ (کنوانسیون مریدا) در برگیرنده مقررات و موادی برای ایجاد چارچوب های بین المللی لازم برای پاسخگویی و مقابله با جرائم اقتصادی و مالی می باشد. گرایش بین المللی به مقابله با این جرائم می تواند باعث تقویت هر چه بیشتر همکاری های بین المللی^۴ و مکانیزم های اجرای قانون گردد. این امر نیازمند استاندارد سازی تعاریف قانونی جرائم اقتصادی و مالی و تخصصی کردن تحقیقات^۵ راجع به این جرائم در درون نهادهای مجری قانون^۶ [پلیس، سازمان های امور مالیاتی و ...] می باشد. پیش از این نیز «دفتر جرم و مواد مخدر سازمان ملل^۷» جهت ارتقای توان دولت ها در راستای مقابله با جرائم مالی و اقتصادی بالاخص پولشویی، ارائه گر کمک های فنی لازم به آنها بوده است.^۸

ب) سازمان های غیردولتی و غیررسمی بین المللی (NGO)

در سال های اخیر جامعه مدنی و سازمان های غیردولتی برای مبارزه با جرائم اقتصادی تجهیز شده اند. به عنوان مثال در سطح بین المللی یک تعداد NGO های بین المللی تأسیس شده که وظیفه و صلاحیت خودشان را سالم سازی اقتصاد جهانی از طریق مبارزه با فساد و جرائم اقتصادی و مالی تعیین کرده اند. از جمله مهم ترین این نهادهای بین المللی می توان به سازمان بین المللی شفافیت و گروه اقدام در خصوص تطهیر سرمایه ها اشاره کرد:

- 1 . international instrument
- 2 . the United Nations Convention against Transnational Organized Crime
- 3 . the United Nations Convention against Corruption
- 4 . international cooperation
- 5 . investigating
- 6 . law enforcement agencies
- 7 . The United Nations Office on Drugs and Crime

۸ در این خصوص ر. کک. به سایت رسمی دفتر جرم و مواد مخدر سازمان ملل:

www.unodc.org

سازمان بین المللی شفافیت^۱ (IT) - این سازمان در سال ۱۹۹۳ تأسیس شده و مرکزش در برلین آلمان است. مؤسسين این سازمان غیردولتی بین المللی، مدیران سابق بانک جهانی هستند که در زمان مدیریت خود شاهد آثار مخرب فساد مالی و اقتصادی بودند. از همین رو، تصمیم گرفتند این سازمان را به‌ویژه برای مبارزه با فساد مالی در کشورهای جهان سوم تأسیس نمایند، چرا که در کشورهای مذکور مسئولین با غارت سرمایه کشور و سرمایه گذاری در کشورهای خارجی، موجبات فقر و بدبختی و عسرت ملت خود را فراهم کرده اند. این سازمان در کشورهای مختلف شعبه دارد. مثلاً در بروکسل بلژیک شعبه ای دارد و یکی از وظائف آن حساس کردن افکار عمومی نسبت به این جرائم و تشویق آنها به این جرائم است. از جانب دیگر این سازمان کشورها را بر اساس معیار فساد رتبه بندی می کند و با مراجعه به سایت رسمی آن می توان رتبه کشور مورد نظر را پیدا کرد^۲.

گروه اقدام مالی در خصوص تطهیر سرمایه ها - این نهاد در سال ۱۹۸۹ و یکسال بعد از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۸ مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر و روانگردان، به‌وجود آمد. در واقع رؤسای دولت های موسوم به G7 (گروه کشورهای صنعتی دنیا) و روسیه تصمیم گرفتند این نهاد (GAFI) را ایجاد کنند. نهاد موصوف یکسال بعد از تأسیس یعنی در فوریه ۱۹۹۰ چهار توصیه نامه در زمینه مبارزه با پولشویی (به‌عنوان شاخه ای از جرائم اقتصادی) به تصویب رساند. یکی از توصیه نامه های این گروه این است که بانک ها در مواردی که اسناد مشکوک هستند، آنها را افشا کنند. بی تردید توصیه نامه های نهاد مذکور نقش یک معاهده یا کنوانسیون را ندارد ولی حداقل به‌عنوان یک سازمان غیردولتی بین المللی، دولت ها را حساس و آنها را ارشاد می کند به اینکه سرویس های اطلاعاتی نامحسوس را در سازمان خود تأسیس نمایند تا این سرویس ها همه چیز را زیر نظر داشته و حساب های مشکوک را بررسی کنند. هدف غایی نیز این است که با هماهنگی سیاست‌های کشورهای دنیا، منفذ و خلأ ای برای نفوذ تطهیرکنندگان پول باقی نگذارد. (نجفی ابرندآبادی، همان: ۵۱)

1. International Transparency Organization

۲. در این خصوص ر. ک. به سایت رسمی سازمان بین المللی شفافیت:
www.Transparency.Org

۲-۳. مقابله با جرائم اقتصادی در سطح ملی

یکی از کارکردهای مهم و اجتناب ناپذیر دولت ها، ساماندهی اوضاع اقتصادی جامعه و تنظیم وضعیتی است که عموم مردم بتوانند متناسب با شأن خود و به دور از دغدغه های نا امید کننده به انتظارات مورد نظر خود دست یابند. مفاسد و جرایم اقتصادی از مواردی است که دارای ابعاد و مظاهری در جوامع است که تأثیری مستقیم در ناکارآمدی سازوکارهای دولت در تنظیم جریان اقتصاد در عرصه فردی و اجتماعی دارد. مباحث اقتصادی علی رغم ماهیت پولی و مالی آن، در مطالعات سیاسی و امنیتی به شکل فزاینده‌ای گسترش یافته است. بنابراین تصور جامعه و جهانی امن بدون توجه به کارکردهای اقتصاد و روابط اقتصادی، بیهوده و تحقق ناپذیر می نماید. این موضوع برخی را بر آن داشته تا اذعان نمایند بعد اقتصادی مهمترین بعد تهدید امنیت ملی است. (زمانی، تابستان ۱۳۸۸: ۳۲)

بر این اساس، کشورهای مختلف در سطح دنیا به طرق گوناگون درصدد پاسخگویی به جرائم اقتصادی و مقابله با چنین جرائمی برآمده اند. به عنوان مثال در **کشور هند** «دادگاهها بنا به دلائل متعدد قادر به رسیدگی سریع به پرونده های اقتصادی نبودند که یکی از اصلی ترین این دلائل، حجم سنگین پرونده ها و فشردگی کار بود. بنابر این ایجاد دادگاههای تخصصی برای رسیدگی به جرائم اقتصادی در کنار حذف تشریفات دست و پا گیر در فرایند دادرسی کیفی در دستور کار قرار گرفت» (ماهندرا و کوماوات، ۲۰۰۵: ۵). در ایالت فلوریدای آمریکا «بخش جرائم اقتصادی دادستانی فلوریدا»^۱ به موجب «قانون اعمال تجاری نادرست و اغفال کننده»^۲، صلاحیت رسیدگی به تمامی فعالیت های ناقض قانون فوق را دارد. این بخش، رسیدگی^۳ و اقامه دعوا علیه واحدها یا مؤسساتی که در هر نوع امر اقتصادی یا تجاری، از روش های رقابتی «غیرمنصفانه و خلاف وجدان یا اغفال کننده»^۴ استفاده می کنند، به حمایت از مصرف کنندگان^۵ می پردازد. همچنین این بخش مسئول رسیدگی و اقامه دعوا علیه شرکت هایی است که درگیر فعالیت های

1. The Economic Crimes Division of the Office of the Attorney General
2. the Florida Deceptive and Unfair Trade Practices Act
3. Investigations
4. Unconscionable, deceptive and unfair practices
5. consumers

غیرقانونی متعدد از قبیل کلاهبرداری، سرقت و تبلیغات اغفال کننده می باشند. اخیراً نیز اقدام به تأسیس «دایره کلاهبرداری سایبری»^۱ نموده که مسئول رسیدگی به «تبلیغات دروغین»^۲ در اینترنت بوده و موفقیت های چشمگیری در زمینه تغییر استانداردهای اطلاع رسانی در اینترنت به دست آورده است. از سال ۲۰۰۷ این بخش به ۷۵۶ پرونده رسیدگی کرده و مبلغ ۴۸۰ میلیون دلار به عنوان خسارت از شرکت ها و مؤسسات متخلف دریافت نموده که ۳۶۸ میلیون آن را به عنوان جبران خسارت، به مصرف کنندگان پرداخته است.^۳

در کشور فرانسه نیز در راستای مقابله با جرائم اقتصادی، در معیت بانک ها نهادی به نام «Tracfin» ایجاد شده که در کنار بانک ها و پا به پای آنها هرگاه به عملیاتی مشکوک شدند، آن را مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم به وزارت دارایی و بعد به دادسرا اطلاع دهند. مثلاً عملیات بانکی بسیار بالا در یک حساب تازه تأسیس، ورود و خروج مبالغ بالا به یک حساب که میانگین آن مبلغ ثابتی بوده، همه اینها بررسی می شود، زیرا می تواند منشأ نامشروع داشته باشد. این نهاد به عبارتی در مقام شناسایی جرم تطهیر پول های کثیف و بررسی منشأ پول است. مأمورین نهاد مذکور حتی در مواردی حق بررسی حساب ها و نیز حق ورود به محل کسب و تجارت و اماکن محرمانه را دارند. (نجفی ابرند آبادی، همان: ۷۰)

با توجه با مطالب مذکور و علی رغم اقدامات صورت گرفته در راستای مبارزه و مقابله با جرائم اقتصادی در سایر کشورها، با اینکه در جمهوری اسلامی ایران هم «از زمان مطرح شدن موضوع جرائم کلان اقتصادی، سازمان ها و نهادهای متعددی به همراه قوه قضائیه و یا به تنهایی اقدام به تحقیقات در پرونده های این قبیل جرائم نموده اند، [لیکن] با توجه به گسترده بودن ابعاد مبارزه با جرائم اقتصادی، اقدامات مقطعی آنها را نمی توان مصداق کامل مبارزه و مقابله با جرائم اقتصادی دانست. از جمله این سازمان ها، زیر مجموعه های مختلف نیروی انتظامی اعم از پلیس امنیت و اطلاعات عمومی و پلیس آگاهی هستند که در برهه های زمانی مختلف به عنوان ضابط دادگستری مبادرت به انجام تحقیقات

1. Cyber Fraud Section
2. misleading advertising

۳. جهت مطالعه بیشتر ر. ک. به سایت اطلاع رسانی دادستانی ایالت فلوریدای آمریکا:
<http://www.myfloridalegal.com/>

مقدماتی برخی گونه های جرائم اقتصادی نموده اند. در سال های اخیر پلیس آگاهی ناجا به عنوان ضابط تخصصی قوه قضائیه گام های مهمی در جهت مبارزه با جرائم اقتصادی برداشته است که از جمله آن می توان به تشکیل معاونتی موسوم به «معاونت مبارزه با جرائم اقتصادی» در سال ۱۳۸۶ اشاره نمود. شش ماه بعد از تشکیل معاونت مبارزه با جرائم اقتصادی در پلیس آگاهی، طرح تشکیل پلیس اقتصادی در بدنه دولت مطرح شد که سرانجامی نداشت، لیکن معاونت مبارزه با جرائم اقتصادی در پلیس آگاهی همچنان به تجهیز و تقویت سازمانی خود با سایر نهادهای نظارتی کشور ادامه داد، به نحوی که در حال حاضر اداره مبارزه با جرائم اقتصادی در ساختار پلیس آگاهی سرتاسر کشور فعال است. البته شرح وظایف و مأموریت های در نظر گرفته شده برای این معاونت، بسیار گسترده و آرمانی لحاظ شده که با توجه به امکانات و ظرفیت های سازمانی موجود، تحقق بخش عمده ای از آنها عملاً غیر ممکن است. ضمن آنکه مصادیق جرائم اقتصادی داخل در صلاحیت این معاونت مبنای اصولی ندارد ولی با توجه به تجاربی که در سال های اخیر در این معاونت انباشته شده، به نظر می رسد زمینه ساز مناسبی برای تشکیل پلیس مبارزه با جرائم اقتصادی باشد». (زارعی، ۱۳۹۰: ۷۹-۸۰) با این اوصاف می توان گفت که در حال حاضر در ساختار نظام حقوقی و پلیسی ایران «بیشتر توجهات در راستای مبارزه با جرائم اقتصادی به سمت و سوی انجام امور ستادی معطوف بوده و توجه کمتری به مبارزه عملی با جرائم اقتصادی می شود. از طرف دیگر با وجود آنکه بیشترین بار تحقیقات مقدماتی جرائم اقتصادی بر عهده ضابطین دادگستری است، با این حال انسجام لازم در این زمینه وجود نداشته و این امر توسط نهادهای متعددی انجام می گیرد، به نحوی که تشتت بسیاری مشاهده شده و حتی برخی از نهادها به لحاظ قانونی، ضابط دادگستری محسوب نمی شوند». (همان: ۸۷)

نتیجه گیری

جرائم اقتصادی یکی از آسیب های مهمی است که امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می دهد. این موضوع به خصوص در کشورهایی که دارای اقتصاد رانتی هستند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری هست. اقتصاد نقش محوری و اساسی در زندگی و معیشت آحاد جامعه داشته و با تحت الشعاع قرار میزان رضایت مندی مردم از نظام سیاسی حاکم،

مشروعیت و در نتیجه قوام و استمرار حیات آن را با چالش های اساسی مواجه خواهد نمود. جرائم اقتصادی یکی از مهم ترین عوامل داخلی است که نزدیک ترین و معنادار ترین تعامل را با مفهوم امنیت اقتصادی دارد. پول های باد آورده، به هم ریختن توازن اقتصادی، فرار سرمایه و به هم زدن برنامه های مدیران و مسئولان برای کنترل سلامت و امنیت اقتصادی و ... وجه مشترک همه انواع جرائم اقتصادی است.

علاوه بر آن، از منظر جرم شناختی، جرائم اقتصادی با یک جرم سابق و لاحق در ارتباط است. یعنی جرمی که امروز یک قاچاقچی انجام داده (مثل تهپیر یا پولشویی)، مسبوق به جرم دیگری است که قبلاً مرتکب شده است (مثل ارتشاء)، همین طور موکول به جرم بعدی است که در آینده ای نزدیک انجام خواهد شد، یعنی فساد اقتصادی و اختلال در نظام اقتصادی و عدم پرداخت مالیات و ارائه اظهار نامه های تقلبی و مالیاتی که هر یک به نوبه خود قدرت فراوانی در تخریب منافع ملی و سرمایه های اجتماعی دارد. جرائم اقتصادی در صورت شیوع، اهداف و ارزش های یک نظام سیاسی مانند زیر ساخت های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد را به خطر انداخته و با سلب اعتماد عمومی نسبت به سیاست های اقتصادی دولت و تحت الشعاع قرار دادن جنبه های مختلف زندگی اجتماعی آحاد جامعه، موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در حوزه سیاسی و عوامل تعیین کننده امنیت اقتصادی و سیاسی می گردد.

به همین دلیل دولت با وضع مقرراتی در زمینه اقتصاد در صدد تضمین و حمایت از نظم اقتصادی است، چرا که نظم اقتصادی جزئی از نظم عمومی است و از طرف دیگر این نظارت دولت با حیات و استمرار حاکمیت مرتبط می باشد. مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی کشورهای پیشرفته حاکی از آن است که جهت مقابله و مبارزه با جرائم اقتصادی در این کشورها، نهادها و دادگاه های اختصاصی تشکیل شده و افراد متخصص و آموزش دیده و مجرب در این نهادها و دادگاه ها به انجام وظیفه مبادرت می نمایند. اما در خصوص سازوکارهای مبارزه با جرائم اقتصادی در دادگستری و قوه قضائیه ایران بایستی ادعان نمود هر چند که در نظام قضائی ما و در عمل، دادگستری ها شعبه ای از شعب دادگاهها را به این قبیل جرائم اختصاص می دهند؛ با این حال، هنوز دادگاه خاص جرائم اقتصادی در ایران وجود ندارد. در پلیس ایران بیشتر توجهات در راستای مبارزه با جرائم اقتصادی به سمت و سوی انجام امور ستادی معطوف بوده و توجه کمتری به مبارزه عملی

با جرائم اقتصادی می شود. از طرف دیگر با وجود آنکه بیشترین بار تحقیقات مقدماتی جرائم اقتصادی بر عهده ضابطین دادگستری است، با این حال انسجام لازم در این زمینه وجود نداشته و این امر توسط نهادهای متعددی انجام می گیرد، به نحوی که تشتت بسیاری مشاهده شده و حتی برخی از نهادهای ضابط دادگستری محسوب نمی شوند.

لذا با توجه به مطالب فوق، پیشنهادهای زیر به عنوان راهکار به نظر می رسد:

- اصلاح و بازنگری اساسی در قوانین و مقررات موجود بالاخص قوانین کیفری مرتبط با فعالیت های اقتصادی و مالی و رفع قوانین دست و پا گیر و تشریفات اداری،
- عزم جدی دولت و دستگاه قضا و پلیس برای اجرای قانون مبارزه با پولشویی که به نوبه خود می تواند به عنوان اهرم قانونی مناسب در جلوگیری از تطهیر درآمدهای نامشروع حاصل از قاچاق کالا ملاک عمل قرار گیرد،
- شناسایی علل و عوامل آسیب پذیری دست اندر کاران مبارزه با جرائم اقتصادی به ویژه مأمورین پلیس و گمرک و تلاش در جهت برطرف نمودن و کاهش موارد آسیب پذیری و همچنین ایجاد ساز و کارهای افزایش انگیزه خدمتی در آنان،
- استفاده از رسانه های جمعی جهت تنویر افکار عمومی در خصوص پیامدهای مخرب جرائم اقتصادی و مالی و نقش آن در کاهش اشتغال و افزایش بیکاری در سطح جامعه و مذموم جلوه دادن آن،
- تشکیل پلیس ویژه مبارزه با جرائم اقتصادی و مالی در داخل نیروی انتظامی و ارائه آموزش های تخصصی به افسران مسئول رسیدگی به جرائم اقتصادی،
- ایجاد دادگاه های تخصصی در راستای رسیدگی به پرونده های جرائم اقتصادی و انتصاب قضات آشنا به حقوق اقتصادی در آن دادگاهها.

منابع:

الف) فارسی

- باقرزاده، احد (۱۳۸۳). جرایم اقتصادی و پولشویی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- زارعی، علی، تأثیر تشکیل پلیس مبارزه با جرائم اقتصادی بر فرایند مبارزه با

- جرایم اقتصادی، فصلنامه کارآگاه، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۰.
- زمانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی، فصلنامه کارآگاه، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا، شماره ۷.
- شایان، علی، (۱۳۸۴)، جرم شناسی نظری (گذری بر نظریه های جرم شناسی)، ترجمه، چاپ اول، تهران، نشر سلسبیل.
- شکیبایی، علیرضا و احمدی علی محمد، قاچاق کالا: علل، آثار و شاخص های اندازه گیری آن، مجموعه مقالات سومین همایش پدیده قاچاق کالا و راه های پیشگیری از آن، دانشگاه تربیت مدرس.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۳)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، چاپ اول، تهران، انتشارات آن.
- غلامی، حسین (۱۳۸۷)، بررسی حقوقی - جرم شناختی تکرار جرم، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی (۱۳۷۷)، ترجمه پژوهشگرده مطالعات راهبردی، تهران.
- میر محمدی، داود (۱۳۸۱)، جهانی شدن؛ ابعاد و زوایای آن، فصلنامه مطالعات ملی.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، جرم شناسی - تقریرات، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، جرم شناسی (بزهکاری اقتصادی) - تقریرات، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴.
- قاچاق کالا و آثار اقتصادی آن، فصلنامه بررسی های بازرگانی، ۱۳۷۹.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶.
- قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۲.

ب) سایت های اینترنتی

- سایت اطلاع رسانی انجمن فرهنگی و هنری سایه:

Www.sayeh.net

- سایت اطلاع رسانی وفاق:

WWW.vefagh.co.ir

پ) لاتین

- Bharti, Animesh, legislative measures to deal with economic crimes in India, Resource material series, No.67, Ministry of Home Affairs, government of India 2003
- Kumawat, Mahendra, dimensions of economic crime in India, 2005
- Economic and financial crimes: challenge to sustainable development, The Eleventh United Nations Congress on Crime Prevention and Criminal Justice,
- www.Transparency.Org
- http:www.myfloridalegal.com/
- www.unodc.org

Archive of SID